

بررسی تأثیر تجارت و بازرگانی در حیات اقتصادی شوشتر در دوره قاجاریه

مسعود ولی عرب^۱

چکیده

در دوره قاجاریه، اوضاع اجتماعی و تأمین امنیت در شوشتر، غیرقابل تحمل شده بود. بازرگانان و تاجران شوشتری مجبور بوده‌اند، برای حفظ موقعیت اقتصادی و سرمایه خود به دیگر شهرهای ایران مانند اهواز (ناصری)، تهران و حتی کشورهای دیگر از جمله هندوستان و عراق مهاجرت نمایند. آن‌ها در شهرهای مختلف هندوستان همانند (کلکته، بمبئی، آگره (حیدرآباد) و عراق (بصره و بغداد و...) به تجارت و داد و ستد می‌پرداختند. در پژوهش حاضر به دنبال این سؤال هستیم که چرا امتیاز کشتیرانی در شوشتر باعث تحول در این شهر گردید؟ چه دلایلی وجود داشت که خاندان‌های بازرگان و تاجر پیشه در شوشتر، در دوره قاجاریه به هندوستان مهاجرت کنند؟ فرض بر این است که خاندان‌های معتبر و اصیل شوشتر در جریان فتنه‌های داخلی از این شهر مهاجرت نمودند، علاوه بر آن، بیماری‌های واگیردار همانند وبا، طاعون و... در ناپودی و کوچ اجباری ساکنان شوشتر تأثیرگذار بود. علاوه بر آن امتیاز کشتیرانی به انگلستان بود که کمپانی لنچ دفاتر خود را در شهر ناصری (اهواز) دائر کرد. فشارهای مالیاتی حاکمان منصوب قاجاریه، باعث گریز ثروتمندان و دولت‌مندان شوشتر به سایر شهرهای ایران و هندوستان (از جمله حیدرآباد، کلکته، بمبئی، و...) گردید. در این پژوهش سعی شده است به زوایای پنهان تجارت شوشتر با شهرهای هندوستان و عراق بپردازیم و از جمله خاندان سلطانه‌لی تاجر شوشتری که مؤسس شرکت تجاری جهاز خلیج فارس بود را با تأکید بر اسناد منتشر نشده از خاندان شرف الدین، بررسی کنیم.

واژه‌های کلیدی: شوشتر، تجارت، خانواده سلطانه‌لی تاجر، قاجاریه، اسناد خاندان شرف الدین

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز M.valiarab@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸

در شوشتر، صنایع دستی از جمله تولید پارچه‌های دیبا و فرش‌های نفیس و زیبا پر رونق و شکوفا بوده است. بسیاری از مردم شوشتر به ساخت انواع صنایع دستی از جمله فرش بافی، گلیم بافی، جاجیم بافی، حصیربافی، شالبافی، عبا بافی و... اشتغال داشته‌اند و امروزه نام خانوادگی بسیاری از مردم شوشتر، پیوند با بافندگی دارد. از دیگر فعالیت‌های اقتصادی در شوشتر، کشت انواع محصولات کشاورزی بوده است از جمله، نیشکر، انگور، لیمو، خرما، ... بوده است.

بازرگانان و تاجران شوشتر در ارتباط برقرار نمودن با سایر شهرهای ایران و هندوستان و عراق تخصص داشته‌اند و دفاتر بازرگانی و تجاری خود را در سایر شهرهای ایران از جمله بندرعباس، بوشهر، آبادان و خرمشهر و شهرهای هندوستان (کلکته، بمبئی، حیدرآباد، دکن و...) و شهرهای عراق (بصره، بغداد، کربلا، نجف...) دایر می‌نمودند. در پژوهش حاضر به دنبال این سؤال هستیم که چه عواملی موجب شد پیشرفت تجارت شوشتر با هندوستان شد؟ و چرا امتیاز کشتیرانی در شوشتر باعث تحول در این شهر گردید؟ چه دلایلی وجود داشت که خاندان‌های بازرگان و تاجر پیشه در شوشتر، در دوره قاجاریه به هندوستان مهاجرت کنند؟ فرض بر این است که خاندان‌های معتبر و اصیل شوشتر در جریان فتنه‌های داخلی از این شهر مهاجرت نمودند، علاوه بر آن، بیماری‌های واگیردار همانند وبا^۱ طاعون^۲ و... در نابودی و کوچ اجباری ساکنان شوشتر تاثیرگذار بود. علاوه بر آن امتیاز کشتیرانی به انگلستان بود که کمپانی لنچ دفاتر خود را در شهر ناصری (اهواز) دایر کرد. فشارهای مالیاتی حاکمان منصوب قاجاریه، باعث گریز ثروتمندان و دولتمندان شوشتر به سایر شهرهای ایران و هندوستان (از جمله حیدرآباد، کلکته، بمبئی، و...) گردید.



پیشینه تجارت و روابط بازرگانی - اقتصادی شوشتر

سیاحان مسلمان درباره تولید میوه در شوشتر مطالبی را بیان داشته‌اند. ابن بطوطه در این ارتباط می‌افزاید: «میوه در تستر فراوان است، خیرات و برکات این شهر بسیار و بازارهای آن در خوبی بی مانند می‌باشند». (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۳۷/۱) از میان مواد غذایی، که به نقاط دیگر ارسال می‌شد مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: هندوانه، به، خرما، علاوه بر آن، سیب و گلابی، مرکبات، و انگور در شوشتر، به فراوانی تولید می‌شد و به سایر شهرها فرستاده می‌شد. (اشپولر، ۱۳۷۳: ۳۳۱/۲ - ۱۹۹)

با سلطه مغولان، بهره‌کشی فئودالی از روستاییان به مراتب شدیدتر از پیش شد؛ روستاییان می‌بایست قریب سی گونه مالیات و بیگار را بپردازند و انجام دهند. یکی از مالیات‌های اصلی، مال یا خراج یا مالیات ارضی بود که به جنس، یعنی بصورت سهمی از حاصل زمین، و یا در نواحی مجاور شهرها نقداً مأخوذ می‌گردید. میزان خراج در نواحی مختلف یکسان نبود، و گاهی اضافه‌ای به نام «فرع» به میزان ده درصد خراج به آن افزوده می‌گردید. فاتحان، مالیاتی به نام «قپچور» وضع کردند که نخست فقط از چادرنشینان - به میزان یک درصد از تعداد دام‌ها - مأخوذ می‌شد، و بعدها به شکل مالیات نقدی و سرانه از روستاییان و شهریان گرفته می‌شد بدون اینکه هیچگونه نظارتی در اعمال ایشان به عمل آید، اقدام به وصول مالیات‌ها می‌کردند و مبالغ وصولی را تصاحب کرده یا تبذیر می‌نمودند، و وقتی که خزانه پرداخت آن مبلغ را از آن‌ها مطالبه می‌کرد ایشان برای بار دوم و حتی سوم از رعایا مالیات می‌گرفتند. وصول مالیات غالباً با شکنجه و آزار روستاییان توأم بود، و روستاییان مبالغ روزافزونی بابت مالیات‌های عقب‌افتاده مقروض بودند. (راوندی، ۱۳۸۲: ۱۳۱/۳ - ۱۳۰)

دیبای شوشتر

شوشتر در عصر خلفای اموی و عباسی با تولید دیبا، حریر و دیگر پارچه‌های ابریشمی شهرت فراوان داشته است گسترش کارگاه‌های پیشه وران در شوشتر مربوط به روزگار شاهان نخستین ساسانی در قرن سوم و چهارم میلادی است. رسول الله (ص) پارچه یمانی بر کعبه پوشانید. خلفای اموی دیبای خسروانی را، جامه کعبه، ساختند بنی امیه گاهی حله‌هایی را که اهل نجران به ایشان می‌دادند به این منظور به کار می‌بردند و نجرانیان را بر آن می‌داشتند که حله‌ها را نیکو ببافند و روی آن دیبا می‌کشیدند. نویسندگان مسلمان سده نخستین اسلامی در این باره می‌نویسند: «متوکل عباسی مرمهای کعبه را تجدید نمود و نقره پوش کرد و سایر دیوارها و سقف آن را از طلا پوشانید، که کسی پیش از او این کار نکرده بود، و ستون‌های کعبه را به دیبا مستور ساخت». (بلاذری، ۱۳۷۷: ۷۱/۲-۷۰) در زمینه فرآورده‌های صنعتی در ایران، صنعت پارچه‌بافی اهمیت ویژه‌ای داشت؛ که از آن‌میان تولید ابریشم از هر نوع (قز- خز؛ دیبا - حریر؛ اطلس؛ مخمل) مقام اول را دارا بود. کارگاه‌های ابریشم‌بافی به‌خصوص در شوشتر، و شوش وجود داشتند. (اشپولر، ۱۳۷۳: ۲۱۰/۲)

درباره نقش دیبای شوشتر که به انواع رنگ‌ها ملون بوده است، منوچهری دامغانی سروده است:

آن سوسن سفید شکفته به باغ در یک شاخ او ز سیم و دگر شاخ او ز زَر
پیراهن است گوئی ز دیبای شوشتر کز نیل ابره استش وز عاج آستر
(راوندی، ۱۳۶۴: ۵۱۴ - ۵۱۳)

از لحاظ اقتصادی پیشرفته‌ترین استان‌های شاهنشاهی ساسانی، بین النهرین بود، مراکز این استان‌ها تیسفون- سلوکیه و خوزستان یا شهرهای شوشتر، جندی شاپور و غیره بودند که مراکز صنعت و بازرگانی به‌شمار می‌آمدند. ایرانیان در حریربافی و تهیه



پارچه‌های گلدار ابریشمی و فرش بافی بی همتا بودند. دیبای شوشتر و حریر شوش در بازارهای جهان خریداران بسیار داشت. (حسن ابرهیم، ۱۳۸۰: ۲۶۶-۲۶۵)

محصولات مهم شوشتر عبارت است از غلات و حبوبات و سبزیجات بسیار خوش طعم و میوه‌های گرمسیری به خصوص گنار شوشتر که میوه‌ای درخت سدر است. این میوه به اندازه زالزالک یک هسته‌ای و رسیده آن قرمز رنگ و بسیار شیرین و معروف است. (رشیدیان، ۱۳۷۱: ۲۲۰-۲۱۹) نیشکر از پردرآمدترین محصولات کشاورزی است که در خوزستان کشت می‌شود. مدارک تاریخی حاکی است که کشت نیشکر از قدیم در خوزستان رواج داشته است و از آثار تاریخی چنین بر می‌آید که خوزستان و خصوصاً شوشتر مهد کشت نیشکر بوده است. (افشار سیستانی، بی تا: ۲۲۲)

صنایع دستی

یکی نسج فرش‌های نازک قرمز و شکری. که در اواسط دوره قاجاریه گویا با جوهر فرنگی کار می‌کردند. دیگر از صنایع منسوجه شوشتر نسج دیبا است. این گیاه هنوز در بیابان‌های اطراف و راه آب بید می‌روید، ولی فایده‌ای نمی‌برند جز آنکه با پشم ترکیب می‌کنند برای مالیدن کلاه نمد. (نجم الدوله، ۱۳۸۶: ۸۲؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۶۹۴) از تجارت‌های معتبر شهر شوشتر ساختن نیل است که به اطراف حتی به هندوستان حمل می‌شده است. تجارت عمده دیگر به سمت هندوستان و عربستان و سایر بلاد ایران از خوزستان حمل شکر بوده غله و سایر زراعت‌های شوشتر خوب است و شلتوک یک من هشتاد من ریع می‌آورد و میوه‌های سردسیری در آن کمیاب و از دزفول مرکبات بدین شهر حمل می‌نمایند و از بصره خرما می‌آورند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱/ ۶۹۵)

صنایع دستی شوشتر خاصه منسوجات و صنعت حریر بافی در گذشته رونق داشته است. عبابافی در شوشتر و اطراف آن متداول بوده است. در شوشتر ۸ کارگاه بافندگی عباى نازک و ۵۰ کارگاه بافت عباى ضخیم متداول بوده است که سالانه حدود ۱۲۰۰ طاقه عباى نازک و ۱۵ هزار عدد عباى ضخیم تهیه می‌شده است. بافت مقنعه روسری زنانه در شوشتر رواج داشته است و حدود ۲۰۰ دستگاه بافندگی مشغول به کار و تولید بوده‌اند که محصول سالانه آن‌ها حدود ۹۰۰ هزار متر بوده است. همچنین ملحفه (ملافه) بافی هم رونق داشته است که ۱۵ کارگاه بافت ملحفه (ملافه) در شوشتر نزدیک به ۱۵ هزار تخته ملحفه (ملافه) تولید می‌کرده‌اند. (افشار سیستانی، بی تا: ۲۴۴)

نیشکر شوشتر

خوز به معنی نیشکر است و خوزستان به معنای شکرستان می‌باشد. در این باره اولیویه جهانگرد اروپایی می‌نویسد: «سقز، شیر خشک و نفت سفید (نیز حمل می‌شود). به ویژه قلم برای تحریر در مملکت عثمانی از جنس نوعی نی است که در حوالی شوشتر و حویزه سبز می‌شود. (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۱) شهر شوشتر منظری اصیل دارد خانه‌ها عموماً دو طبقه و دارای ایوان‌های وسیع با حفاظ کوتاه هستند در حیاط داخل خانه‌ها، راهروهای بلند و سرپوشیده در امتداد دیوارهای ساختمان دیده می‌شود زیرزمین‌های مسقف منازل، گود و عریض است در اینجاست که ساکنان منازل در طول گرمای روز استراحت می‌کنند و با رسیدن شب به ایوان‌های بالا می‌آیند.

محصولات هند که در شوشتر بازار دارد، عبارت است از شکر و ادویه و پنبه این کالاها ابتدا از راه دریا به خرمشهر بندر آزاد کارون در نزدیکی اروند می‌رسد. کالاها را در اینجا توسط قایق‌های کوچک تا حدود دو فرسنگی شهر اهواز می‌آورند و تخلیه می‌کنند و با وسایل زمینی می‌برند؛ زیرا بستر رودخانه در این محل دارای تخته سنگ



است کمی بالاتر مجدداً بارها را سوار قایق می‌کنند و تا سه فرسنگی شوشتر می‌رسانند. در اینجا باز هم آن‌ها را پیاده می‌نمایند و بار دیگر بر آستر می‌نهند تا به شوشتر برسانند. شوشتر در سال‌های پیشین دارای مزارع وسیع پنبه بوده که مواد خام کارگاه‌های ریسندگی خود را تأمین می‌کرده‌اند؛ اما از زمان پنبه خارجی این شاخه از صنعت روستایی تقریباً از رونق افتاده و کارگاه‌های پنبه ریزی از حرکت بازمانده است در شوشتر و اهواز کشت نیشکر شکوفا بوده؛ اما حال کشت آن متروک مانده است. (دوبد، ۱۳۷۱: ۳۴۰-۳۳۷)

تجارت در شوشتر

نسج پارچه‌های قیمتی که از قبل از استیلای مغول نیز در ایران رواج کلی داشت در عهد ایلخانان همچنان بحال ترقی باقی ماند بلکه رونق آن زیادتر از پیش شد چه امرا و عمال و وزرا که هر سال بایستی مبلغی از جنس بعنوان هدیه و تحفه بحضور ایلخانان بفرستند بافت پارچه‌های زربفت را در مراکز حکومت و قلمرو امارت خود تشویق می‌نمودند و کارخانهای متعدّد برای این کار در تبریز و گرجستان و بغداد و مرو و طوس و شوشتر و شیراز و نیشابور وجود داشت. چنانکه از مطالعه سفرنامه‌های مسلمین و تجار و مأمورین فرنگی بر می‌آید پارچه‌های زربفت مرو و طوس و شوشتر در عهد ایلخانان، در بازار تبریز خریدارانی داشته است. (اشپولر ۱۳۸۶: ۵۷۱ و ۵۵۸)

نسج پارچه‌های ابریشمی نیز در این ایام در ایران بویژه در گیلان و خراسان و یزد و کرمان اهمیت فوق العاده داشت و اساساً ابریشم در آن ازمنه از ثروت‌های گرانبها بود؛ چنانکه قسمتی از مالیات جنسی این ولایات به ابریشم تأدیه می‌شد و غالباً خراجی که برعهده مؤذیان ولایات مزبور واگذار می‌گردید، ابریشم بود چنانکه اولجایتو پس از فتح گیلان امرای محلی آن سرزمین را هریک بقدر وسع پرداخت

مقداری ابریشم در سال واداشت. (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۶۱۶) کارگاه‌های کوزه‌گری و سفال‌سازی بسیار پیشرفته‌ای در ایران وجود داشتند. مصنوعات گلی و ظروف بدل چینی و کاشی‌های بسیار ظریف که از لعاب‌های عالی پوشیده می‌شدند در ایران تولید می‌گردیدند. (گرانوسکی و دیگران، ۱۳۵۹: ۲۰۵)

تستر برای ورود و خروج مسافریک در بیشتر ندارد و آن را دروازه «دسبول» (دزفول) می‌نامند. «دروازه» در لغت آنان به معنی در است. درهای دیگر این شهر بسوی رودخانه باز می‌شود. در دو طرف رودخانه باغ‌ها قرار دارد و دولاب‌ها کار گذاشته‌اند. عمق رودخانه زیاد است و محاذی دروازه دسبول، مانند بغداد و حله جسری از کشتی‌های کوچک درست کرده‌اند...» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۲۳۷/۱) مستوفی در این ارتباط می‌افزاید:

«تابک شمس‌الدین مفوض گشت و حکم شد که لشکر مغول مراجعت نمود. چون الب ارغو بلرستان رسید، ولایات خراب دید و رعایا بعضی آواره و بعضی بیچاره بودند. بحسن تدبیر غائبان را جمع کرد و حاضران را استمالت داد و بر عمارت و زراعت محرض گردانید تا در اندک مدتی با حال عمارت آمد بلکه رشک خلد و جنان شد و او همچون عرب و مغول «رحله الشتاء و الصیف» کردی و زمستان در ایذج و سوسن تا حدود شوشتر و تابستان در جوی سرد و بازفت و دامن زرده که منبع آب رودخانه‌های تستر (شوشتر) و زنده رود است و کوهی در غایت خوشی و نزهی و چشمه‌های فراوان و علف‌های بی پایان مقام کردی». (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۴: ۵۴۵-۵۴۴)

یکی از جهانگردان اروپایی در مورد اوضاع نابه سامان تجارت در زمان کریم خان زند نگاشته است که «شهر کرمان، کریم خان را به وکیلی ایران پذیرفته بود. کریم خان



محمد امین خان گروسی را به حکومت کرمان فرستاد، اما چون پیش از رسیدن محمد امین خان به کرمان شخص دیگری حکومت کرمان را به دست گرفته بود، محمد امین خان ناگزیر از بازگشت به شیراز گردید. فتحعلی خان پس از تسلیم، از طرف کریم خان به سرداری سپاه منصوب شده بود و گمان می‌کرد، که کریم خان دیگر نسبت به او کینه‌ای ندارد. در این موقع زکی خان، برادر کوچک کریم خان، سر به شورش برداشت و پس از غارت اصفهان با غنائم به دست آمده به شوشتر رفت. چون فتح علی خان و زکی خان از طریق نامه با یکدیگر در ارتباط بودند و چون گمان می‌رفت، که فتح علی خان زکی خان را به شورش تحریک کرده است، کریم خان در محلی در راه غرب ایران از فتح علی خان پرسید، آیا او این محل را می‌شناسد، فتح علی خان جواب داد، بله، من در این‌جا زن شما را اسیر کرده‌ام. کریم خان، که دنبال بهانه می‌گشت، بلافاصله پس از این اعتراف فتح علی خان دستور قتل او را صادر کرد. شاه اسماعیل پس از شکست خوردن محمد حسن خان قاجار دوباره در دست کریم خان بود. مردی که سال‌ها برای شاه جوان جنگیده بود. گمان می‌رفت، کریم خان، بلافاصله پس از چیره شدن بر دو دشمن بزرگ خود، حکومت را از شاه اسماعیل بگیرد، اما ظاهراً کریم خان حوصله‌ای برای این کار ندارد و جوابش این است، که او هنوز تمام ایران را برای شاه به تصرف خود در نیاورده است. (نیبور، ۱۳۵۴: ۲۰۶)

شوشتر از روزگاران قدیم گذرگاه مهمی بود. راه تهران (به خلیج فارس) هم به اصفهان می‌رسد، و از اصفهان که به جنوب می‌روند از اینجا می‌گذرند. پس اینجا منزلگاه و کاروانسرا بود. امروزه هم در راهمان به محمره از شوشتر می‌گذریم. این شهر کهنه بر کنار رودخانه کارون است. سربازان رومی که در جنگ با ایران اسیر شدند، پل درازی بر این رودخانه بستند، و سدی که شاپور، پادشاه ساسانی، بر کنار شوشتر ساخت، از یکهزار و هفتصد سال پیش حافظ و حائل این شهر در برابر طغیان کارون است.



(کازاما، ۱۳۸۰: ۱۱۴-۱۱۳) این پارچه‌ها محصول دست در قرن نهم خراسان و گرگان و طبرستان و آذربایجان و دیلم و کردستان و فارس ممتازترین ایالات امپراطوری اسلام محسوب می‌شدند و صنعت حریربافی در این ایالات رونق داشت و مهم‌ترین منبع عایدات آن‌ها بود.

در قدیم نساجان نمی‌توانستند مفتول‌های ضخیم طلا را برای زینت در پارچه‌های نازک بکار برند بلکه فقط آن‌ها را در فرش‌بافی بکار می‌بردند و اگر مورخین قدیمی راجع بمنسوجات طلائی چیزهائی نوشته‌اند مقصود آن‌ها قالی و قالیچه بوده که مفتول طلا برای تزئین در آن‌ها بکار می‌رفته است. همه‌ساله از این شهر مقدار زیادی پارچه‌های نفیس زری بتمام کشورهای باختری و کشورهای شرق اقصی صادر می‌گردید. در سایر شهرهای ایران هم از قبیل نیشابور، مرو، اصفهان، شوشتر و شیراز قسمتی از انتهای یک شال زری که در زمینه طلائی آن نقوشی برنک‌های قرمز و بلوطی و سفید وجود دارد، کار قرن ۱۷ میلادی پارچه‌بافی معمول بود و پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای منقوش از کارخانه‌های این شهرها بیرون می‌آمد (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۴۳۹-۴۳۷)

راه تجاری خوزستان (شوشتر)

این راه از شهرهای کوره شاپور می‌گذشت و بعد از ۲۵ فرسنگ به نابندگان (نوبندگان) می‌رسید از نابندگان (نوبندگان) با طی ۳۳ فرسنگ به ارجان، شهر مهم کوره قباد رفته و با امتداد به سمت خوزستان به رامهرمز، اهواز و در نهایت به تستر (شوشتر) می‌رسید. از این راه شاخه‌ای از طریق شهرهای کوره شاپور به طرف ریشهر (بوشهر) امروزی) می‌رفت. در خصوص عهد ابوسعید و چگونگی موقعیت بازار در شهرهای مختلف قلمرو ایلخانی بیشترین و دقیق‌ترین اطلاعات را ابن بطوطه می‌آورد.



ابن بطوطه یکی از اندک منابع این زمان است که از جهت گیری سیاسی و اجتماعی اهل بازار خبر می‌دهد. در مسیر راه عراق (عرب) به ایران که از طریق خوزستان سفر کرده است جای جای از توقف گاه‌های تجاری و کاروانسراهای میان راهی سخن گفته و رونق بازارهای شوشتر، رامهرمز و مناسبات تجاری شهرهای اخیر را متذکر شده است. در دوره ایلخانان صنعت نساجی از رونق خاصی برخوردار بود و بسیاری از شهرها در این زمینه فعالیت چشمگیر داشتند. خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب اخلاق ناصری پارچه بافی را یکی از صنایع مهم مورد نیاز جامعه بیان کرده است و سیاحان و مورخان این زمان مراکز مهم این صنعت (پارچه بافی) را بر می‌شمارند (رضوی، ۱۳۸۹: ۲۸۳-۲۸۲-۳۵۲-۳۴۴)

در خوزستان بود که رودخانه‌های قابل کشتیرانی وجود داشت از جمله «رود شوشتر» با شرایط مناسبی که منوط به مقتضیات طبیعی این سرزمین، و تا یک قرن پیش نیز معتبر بود (اشپولر، ۱۳۷۳: ۲۷۰/۲) تجارت‌های معتبر شهر شوشتر ساختن نیل است که به اطراف حتی به هندوستان حمل می‌شده. در سال ۱۳۰۶ هـ. ق کشتیرانی در کارون پایین آزاد گردیده برادران لنچ و دیگر اروپاییان کشتی‌های خود را در آنجا به کار انداختند و چون مال بازرگانی فراوان به آنجا می‌آوردند بازرگانان از شوشتر و دزفول و دیگر شهرها به آنجا شتافتند و هر یکی خانه یا کوشکی برای خود بنیاد نهاد. در این میان حاج معین بوشهری که از شاه اجازه کشتیرانی در کارون بالا گرفته بود در بند ناصری بازار و کاروانسرای ساخت و برای آنکه بردن بارها کشتی‌ها از این سوی کمره سنگی به کشتی‌های آن سوی آسان باشد خط آهنی کشیده واگون اسب راه انداخت. (کرزن، ۱۳۸۰: ۳۵۰/۲)

ارزش راه تجارتی کارون از لحاظ وسیله دسترسی مناسب به شهرها و مراکز بزرگ غله‌خیز غربی ایران و خاصه راه تجارت هند و انگلستان در اثر کار و نوشته‌های سر.



اچ. لیارد و ستوان سلبی در معرض ملاحظه و افکار انگلیسی‌ها قرار گرفت. و (تجار شوشتر همکاری ایران را در این زمینه تأمین کرد و سپس گزارشی به دولت خود و نامه‌ای هم به اطاق تجارت بمبئی فرستاد و هر دو طرف را به اجرای چنین برنامه‌ای ترغیب نمود. پریشانی امور در ایران مانع پیشرفت منظور گردید. فقط سی سال بعد موضوع افتتاح رودخانه کارون جهت تجارت خارجی مورد اقدامات رسمی بین لندن و تهران واقع شد. (کرزن ۱۳۸۰: ۲ / ۴۰۴)

تجارت و بازرگانی ایران در عهد ناصر الدین شاه

واتسن که در عهد ناصر الدین شاه از کشور ایران دیدن کرده است، می‌نویسد: «در ظرف سه سال گذشته، داد و ستد وسیع و روزافزونی بین ایران و کشورهای مختلف اروپایی پیدا شده است. پنبه، پيله ابریشم، پشم و مواد خام دیگر به انگلستان، فرانسه و روسیه صادر می‌شود، و در مقابل، ایران اجناس صنعتی و مواد لوکس از اروپا دریافت می‌دارد. چون واردات بیش از صادرات است، بناچار، ایران هر سال مقداری از طلا و نقره اندوخته خود را صرف جبران آن می‌کند. در واقع، مقدار فلزهای قیمتی که از سابق در ایران جمع شده، برای جبران کمبودها، مصرف می‌شود می‌شود. به نظر بعضی از تجار اروپایی، پول بزودی آنقدر در ایران کمیاب می‌شود که واردات ناچار فقط بمیزان صادرات تقلیل خواهد یافت. پول در ایران، تقریباً به مراتب، از هر کشور دیگری بیشتر ارزش دارد. نرخ رسمی تنزیل دوازده درصد است ولی با چنین نرخ سبکی، پولی نمی‌توان بدست آورد بلکه با ربح ۲۴ درصد و با تضمین وافی می‌توان وام گرفت و گاهی این نرخ تا ۶۰ درصد سالیانه، بوسیله رباخواران (ماهانه پنج درصد) بالا می‌رود. به آسانی اجناس بسیاری مانند قند را که حالا از خارجه وارد می‌کنند، در داخله فراهم کنند و یا بوسیله ایجاد راههای ارتباطی بین نقاط داخلی و بندر، راه را برای افزایش بی‌اندازه صادرات کشور هموار سازند. ولی اقتصاد ملی هنوز در ایران



مورد توجه قرار نگرفته است و کارها، سال بسال از بد بدتر می‌شود و تجربه تلخ گذشته موجب بیداری و انتباه زمامداران ایران نشده و هیچ علامتی که نمودار بهبود آینده کشور باشد، بچشم نمی‌خورد.» (راوندی، ۱۳۸۲: ۲۱۴/۵-۲۱۵)

اصلاح مالیات در دوره ناصرالدین شاه

اصلاح مالیاتی از دو جهت، اهمیت سیاسی داشت: از نظر هماهنگی نظام مالی با نقشه ترقی اقتصادی، از جهت افزایش عایدی دولت برای بکار انداختن سرمایه تولیدی. اصلاح مالیه کشور و اساساً چرخ اقتصاد جدید را با اصول کهنه مالیاتی و دستگاه استیفا بکار انداختن کوششی باطل بود. آغاز دوره میرزا حسین خان سپهسالار، اوج بحران اقتصادی بود. از فترت ده ساله، قحطی‌های پی‌پی، کاهش زیاد جمعیت کشور، فقر و بیکاری عمومی، مهاجرت مردم به خارج، تقلیل تولید کشاورزی، بحران پولی، بی‌اعتباری برات دولتی، عدم موازنه صادرات و واردات - که جملگی نشانه‌های بحران عمومی بودند. در مقابله با آن احوال، دولت در سال ۱۲۸۸، برای مالیات رعیت تخفیف فراوان قائل شد. بدنبال آن، با تنظیمات جدیدی که برقرار گردید، رعیت تا اندازه‌ای از ظلم حکام رهایی پیدا کرد. از سوی دیگر، مالیات دهات برپایه‌ای ثابت معین شد. بعلاوه، بخشی از مالیات ولایات که بیشتر به جیب حکام می‌رفت، به خزانه رسید. آثار تنظیمات جدید و استقرار امنیت و عدالت نسبی، در همان سال اول، محسوس افتاد. (راوندی ۱۳۸۲: ۲۰۱/۵)

اسناد تاریخی خاندان شرف‌الدین درباره تجارت در شوشتر

یکی دیگر از اسناد مالی که در گذشته در بین تجار و کسبه و سایر طبقات مردم در جریان بوده است، الواصل یا در زبان امروز «رسید» نام داشته است. وجود این سیستم قانونی در مناسبات اقتصادی باعث عدم بروز مشکلات مالی متعددی می‌شد که امروزه

گریبانگیر افراد زیادی در جامعه شده است. این نکته بدین معنی نمی‌باشد که در گذشته سوء استفاده‌های مالی نمی‌شده اما بطور حتم راهکارهای قانونی و عرفی موجود، راههای تخلف را برای افراد سود جو محدود می‌کرده است. سند مورد نظر مصادف با دوم بهمن ۱۲۳۷ شمسی تنظیم گردیده است.

«روان نویسی سند»

مبلغ سه تومان {و} چهار هزار {و} پونصد دینار رایج خزانة که عبارت از سی {و} چهار عدد {و} نصف ریال محمد شاهی {می} باشد از معرفت عالیشان، رفیع مکان " آقا اسداله " خلف مرحوم جنت مکان آقا "محمد جعفر" از بابت حواله آقا "محمد کاظم"، خلف مرحوم جنت مکان، "حاجی نظام" تاجر بهبهانی از بابت پول یک طاقه چادر، واصل و عاید این داعی، أقل العباد "ابوطالب" خلف مرحوم "ملا کلبعلی" شده و این چند کلمه بعنوان الواصل قلمی گردیده، و کان ذالک فی تاریخ ۱۹ شهر جمادی الثانی ۱۲۷۵

نوشته روی مُهر: منتظر لطف الهی ابوطالب/ این "الواصل" از بابت "براتی" بوده است که ابوطالب در دست داشته و به احتمال بسیار، جنسی را به آقا محمد کاظم تاجر بهبهانی فروخته است که مابقی پول آنرا که معادل طلبش از آقا اسداله بوده است در قالب نوشتن براتی بدست ابوطالب داده است و بدین ترتیب ابوطالب از سوی آقا اسداله به پول خود رسیده و آقا اسداله نیز بدهی خود را به تاجر بهبهانی پرداخته است.

شوشتریان هند در دوره قاجاریه

۱. حاج سلطانه‌لی تاجر شوشتری

وی از مشهورترین افراد خانواده آقا و از تاجران سرشناس شوشتری بود که در بمبئی سکونت داشت؛ او فرزند محمد جعفر و نوه حاج محمد یا محمد علی می‌باشد، از

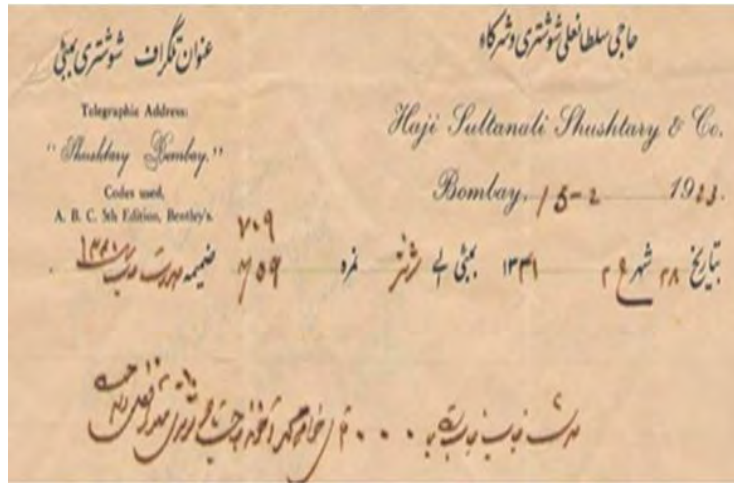


تاریخ دقیق ولادت و فوت وی اطلاع دقیقی در دست نیست اما می‌توان حدس زد که در حوالی سال ۱۲۴۵ ه.ق در شوشتر بدنیا آمده باشد. از پدر بزرگش حاج محمد، در یک سند اجاره زمین در ماه رمضان ۱۱۹۷ ه. ق نام برده شده است؛ در آن سند اشاره شده که پدرش محمد جعفر به مدت ۱۰ سال زمینی کشاورزی را در روستای اطراف شوشتر از شخصی به اجاره گرفته است. از سایر اسناد چنین بر می‌آید که اجداد او تجارت محدودی با شهرهای همجوار و گاه با دیگر استان‌ها داشتند و گاهی باغ یا زمینی کشاورزی را برای چندین سال اجاره می‌کرده و خود نیز دارای املاک و مستغلاتی بوده‌اند شوشتری

آقا محمد جعفر خلف صدق عالیمکان مرحمت و غفرانماب ۴ حاجی محمد ۴ اولین مدرک بدست آمده از سلطانعلی مربوط به ماه شوال سال ۱۲۷۹ ه. ق/ فروردین ۱۲۴۲ ه. ش، می‌باشد که توسط احمد علم برای آقا اسداله برادر آقا سلطانعلی نوشته شده است؛

نور چشم عزیز آقا سلطانعلی را در شهر رمضان روانه بصره نموده‌ام ۴ آخرین آن نیز در ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۴۱ / ۲۵ بهمن ۱۳۰۱، است که از بمبئی برای خواجه محمد افضل تاجر شوشتری ارسال شده است؛ متأسفانه تا امروز سندی از سرگذشت حاج سلطانعلی بعد از این سال بدست نیامده است.

پرتال جامع علوم انسانی



ساکن شدن حاج سلطانعلی شوشتری در بمبئی

از مضمون سند سال ۱۲۷۹ هـ. ق چنین بر می آید که بین شوشتر و بمبئی رفت و آمدهای محدودی صورت می گرفته و یک حلقه ارتباطی بین شوشتر، محمره، بصره و بمبئی توسط مجموعه ای از تجار در جریان بود که علاوه بر خانواده آقا، خانواده علم نیز که عمو زاده های آنها بودند؛ بیشترین سهم را در این تبادلات بر عهده داشته اند.

در همان سال سلطانعلی به تشویق حاجی احمد علم جهت انجام کارهای تجاری به بصره می رود (خانواده علم گویا عمو زاده های وی بوده اند، چرا که حاجی سلطانعلی و آقا اسداله را عمویی خطاب می کردند) به روایت همین سند وی نزدیک به یکسال و نیم به قصد کسب و کار راهی بلاد عجم شده بود ولی موفقیتی کسب نکرده بود، اینکه مشخصاً کجا؟ و نزد چه کسی، در سند مزبور ذکری نیامده است.

گویا بر اساس همین حلقه ارتباط تجاری بود که در همان ایام سر از بمبئی در می آورد؛ قدیمی ترین سند از حضور وی در بمبئی نامه ایست مربوط به سال ۱۲۸۲ هـ. ق که حضور دو برادر یعنی آقا اسداله و آقا سلطانعلی را نشان می دهد. در آن زمان طبق همین سند تاجرانی چون: حاجی حسین علم و حاجی ابوالحسن صاحب؟ در بمبئی



حضور داشته‌اند، اما از حضور ثابت و یا موقت آن‌ها مطمئن نیستیم؛ همچنین در نامه ای از ۱۲۸۳ هـ. ق سلطانحسین نامه‌ای از شوشتر خطاب به پدرش سلطانعلی و عمویش آقا اسدالله به محمره می‌نویسد که می‌تواند نشان دهنده این مطلب باشد که طی این سال‌ها بین شوشتر، محمره و بمبئی در رفت و آمد بوده‌اند. در میان اسناد بدست آمده بارنامه ای وجود دارد متعلق به ۵ جمادی الاول ۱۲۸۵ که نشان می‌دهد توسط میل کراچی، مقداری خورده قماش به بصره ارسال داشته است این کشتی‌ها متعلق به کمپانی انگلیسی ° هندی بنام: " **britishindia steam nabigationcompany,s** " بوده است.

از اقدامات مهمی که حاجی سلطانعلی شوشتری در حدود سالهای ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ ه. ق انجام داد تأسیس کمپانی حمل و نقل دریایی بنام «کمپانی جهازات خلیج فارس» بود که با همکاری تعدادی از تجار شوشتری؟ به منظور حمل مال التجاره از بمبئی به محمره و بالعکس انجام گرفت.

بر سر برگ نامه‌هایی که از سال ۱۳۳۳ هـ. ق بجا مانده بعد از نام حاجی سلطانعلی کلمه «و شرکاء» نیز قید شده و این تغییر اشاره به تأسیس کمپانی مزبور دارد. در میان اسناد آقای محمد علی شرف الدین به صورت حسابی از کمپانی مذبور وجود دارد که مربوط به دسامبر ۱۹۱۸ م می‌باشد و در آن میزان دارایی و بدهی کمپانی را به شکل دقیقی ذکر نموده است و نشان می‌دهد اطلاعاتی که جمالزاده در سطور فوق اشاره نموده با آنچه در این صورتحساب نوشته شده کاملاً مغایرت دارد؛ بطور مثال در بیان قیمت کشتی‌های کمپانی نوشته «سردار» به تنهایی ۷ لک قیمت دارد، در صورتیکه در صورتحساب ۱۹۱۸ جمع سه کشتی کمپانی ۳۹ لک در کمترین نرخ یعنی تقریباً هر کشتی ۱۳ لک ارزشگذاری شده و نیز ساختمان کمپانی که جمالزاده ۲ لک آنرا ذکر کرده، در سند مذکور ۸ لک برآورد شده است. با این وجود آنچه



قطعیّت دارد سندی است که نزد جناب آقای شرف الدین نگهداری می‌شود. در سند مزبور، بعد از کسر بدهی‌های کمپانی، سرمایه آنرا به قرار ذیل برآورد می‌کند: ۹۱ لک و ۱۱ هزار روپیه.

می‌توان عدد بدست آمده را با قیمت روز ۱ روپیه به پول امروز محاسبه نمود تا میزان دارایی کمپانی مورد نظر دقیق‌تر بدست بیاید.

فعالیت‌های تجاری حاج سلطانعلی شوشتری

اسناد نشان می‌دهد که بخشی از سرمایه در گردش حاج سلطانعلی که با آن به تجارت می‌پرداخت متعلق به افراد سرشناسی از بین اقوام، دوستان و گاه سایر تجار بود که آنان در سود حاصله سهیم بودند. بواسطه اعتباری که حاج سلطانعلی و خانواده‌اش نزد مردم داشتند، عده‌ای پول خود را جهت تجارت به وی می‌سپردند، از جمله سند ذیل که از سال ۱۳۰۵ هـ. ق بدست آمده به این مسئله اشاره نموده است. وی در کار تجارت فردی باهوش، زیرک و عاقل بود که مدام در نامه‌هایش نزدیکان را به زیرکی و تصمیم‌گیری‌های به موقع راهنمایی می‌نمود و به دلیل همین ذکاوت بود که توانست در بین خانواده و نزدیکان خود به سرعت راه ترقی را بی‌یابد.

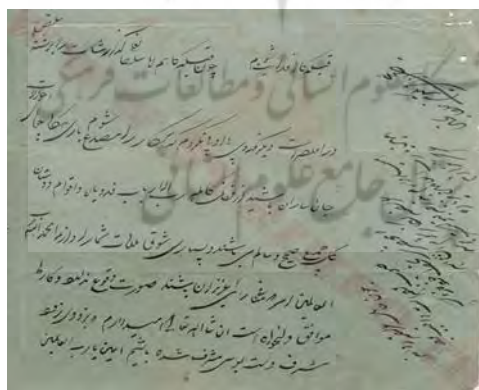
او از نظر مذهبی فردی دیندار و معتقد بود که از لابلای نوشته‌هایش این مطلب به خوبی آشکار است؛ مسائل شرعی خود را نزد ابوالقاسم نجفی کاشفی^{۱۰} که در آن زمان در بمبئی ساکن و مورد رجوع ایرانیان آنجا بود^{۱۱} انجام می‌داد. همچنین فردی با سواد و آگاه به مسائل روز بود، خطی بسیار زیبا داشت و اهل مطالعه بود. در یکی از نامه‌هایش به مطلبی^{۱۲} که در هفته‌نامه اختر چاپ استامبول خوانده^{۱۳} در مورد حفاری زمینهای اطراف شوشتر و دزفول توسط اروپایی‌ها به آقا اسداله نوشته: «ارزش جزء کوچکی از آثاری که در آن زمین‌ها بدست می‌آید خیلی بیشتر از مبلغی است که آن‌ها جهت حفاری به صاحبان زمین می‌دهند».



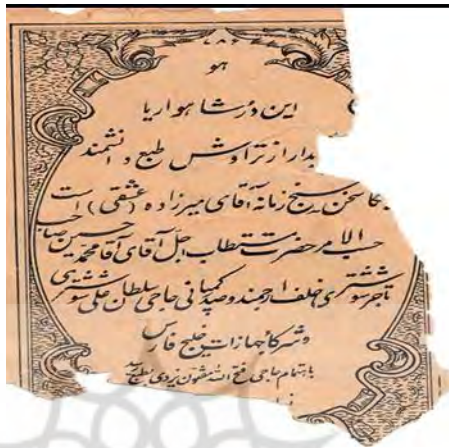
سرانجام کار حاج سلطانعلی شوشتری بیشترین مکاتبات حاجی سلطانعلی بعد از فوت برادرش حاجی اسداله با فرزند او آقا محمد حسن بود، تا کنون هیچ سندی که نشان دهد سر انجام کار حاج سلطانعلی چگونه شده، بدست نیامده است.

حاج سلطان حسین شوشتری

سلطانحسین فرزند حاج سلطانعلی صاحب تاجر شوشتری است که در حدود سال ۱۲۶۵ هـ. ق (۱۲۲۸ شمسی) احتمالاً پیش از اقامت پدرش در بمبئی، در شوشتر بدنیا آمده است. نخستین بار نام وی در سندی وجود دارد که تاریخی در آن به چشم نمی‌خورد ولی نوع کاغذ و خط آن مشخص می‌کند که به قبل از سال ۱۲۸۲ هـ. ق مربوط می‌شود و از بمبئی به شوشتر برای اقوامش نوشته است. اما اولین سند قطعی به ۱۲۸۲ هـ. ق مربوط است، نامه ای که از شوشتر خطاب به پدرش که درباره پاره ای از معاملات و بده بستان‌های مالی بین تجار و کسبه جزئیاتی را نشان می‌دهد، این سند مشخص می‌کند که وی مدت کوتاهی طی این ایام در شوشتر حضور داشته است، در بخشی از این سند به بیماری سرخی و درد چشم‌هایش که در آن ایام شایع بوده شکایت داشته است



همچنین نسخه‌ای از کتاب شعر میرزاده عشقی چاپ بمبئی در دست می‌باشد که بر روی جلد آن نام سلطان حسین به عنوان سفارش دهنده و حامی انتشار این کتاب درج گردیده است.



سلطان حسین دارای خط بسیار زیبایی بوده است، این مسئله در مورد پدرش حاج سلطانعلی نیز صادق است و احتمالاً تأثیر خط خوش پدر بر وی مؤثر بوده اما خط سلطانحسین از پدرش نیکوتر است. در سندی که چهارم جمادی الاول ۱۲۸۵ از بمبئی به عمویش آقا اسداله یا فرزندان ایشان نوشته است، نیز گویای بلاغت بیان و تسلط وی بر ادبیات زمان خود می‌باشد: «حالا که ایام موصلت گذشته و سال فراق آمده بدرد هجران مبتلا گردیده، ایکاش تخم محبت و مودت را در مزرع دل نکاشته بودم، شوق شرفیابی چنان بر لوح ضمیر منقش گردیده که چون نقش فی الحجر محو شدن آن هرگز ممکن نمی‌شود، امیدوار از جناب داهب العطا یا چنان است که بزودی، شرف مخادمت، عن قریب نصیب شود و از فیض خدمت بهره مند شود و شرفیابی را ادراک نماید».

در اوایل سال ۱۲۹۷ هـ. ق که نامه‌ای برای حاج آقا اسداله صاحب تاجر شوشتری معروف به آقا که برادر حاج سلطانعلی می‌باشد از شخصی بنام حاجی ابراهیم



شوشتری بدست می‌آید که در حین ناباوری و افسوس، خبر از مرگ سلطانحسین دارد:

«از خبر وحشت اثر فوت مرحوم حاجی سلطانحسین اخوی، کمال هم و غم و الم روی نمود شریک در مصیبت می‌باشم اگر چه در همان اوقات مرحومه والده لیبیک حق را اجابت گفته مزید هم و غم گردید ولی چه باید کرد، بجز صبر چاره نیست، راهی است که همگی باید برویم، شاعر گفته: هر آنکه زاد، بناچار بایدش نوشید/ ز جام دهر می کُلُ من علیها فان، خداوند انشاءاله صبر و اجری بیازماندگان کرامت بفرماید و آنمرحوم و آنمرحومه را غریق رحمت خود بنماید».

آقا محمد جعفر ملک التجار

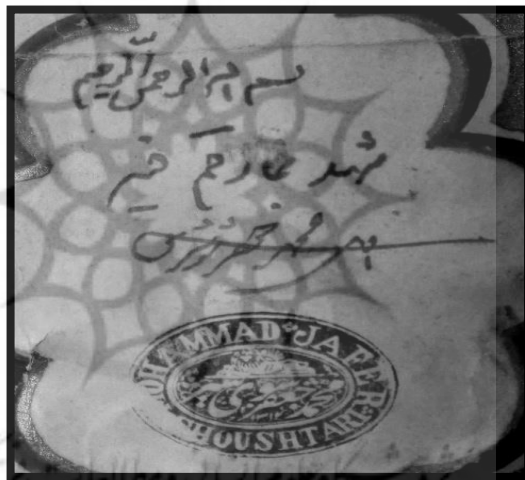
وی فرزند حاج آقا اسدالله صاحب تاجر شوشتری می‌باشد که در حدود سال ۱۲۹۵ هـ. ق مصادف با (۱۲۵۷ شمسی) (۱۸۷۹-۱۸۷۸ میلادی) در محله اشکفتی، نزدیک به محله عبدالله بانو شوشتر دیده به جهان گشود. از آنجا که خانواده‌های تجار و متمول، بر خلاف امروزه، علم و هنر را توأم با راه و رسم اقتصاد و تجارت به فرزندان خود می‌آموختند، از این رو محمد جعفر نیز از کودکی به کسب دانش و راه و رسم فعالیت‌های اجتماعی و تجاری آشنا گردید به گونه‌ای که آثار نبوغ و توانایی وی در تجارت، از درخواستهای مکررش به عمویش حاجی سلطانعلی که در بمبئی حضور داشت به وضوح آشکار است.

قدیمی‌ترین سندی که نام محمد جعفر در آن به چشم می‌آید مربوط به ذی قعدة ۱۳۰۲ هـ. ق / ۱۲۶۴ هـ. ش / ۱۸۸۶-۱۸۸۵ میلادی می‌باشد با این مضمون: نور چشم محمد جعفر را دیده بوسم.

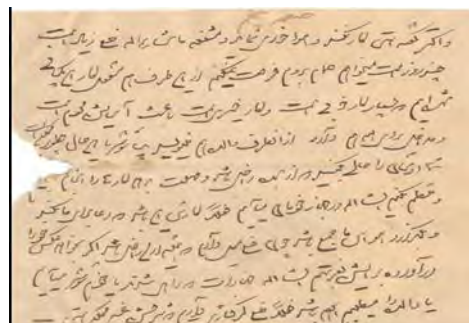
در سندی به تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۰۴ هـ. ق / ۱۲۶۶ هـ. ش / ۱۸۸۸-۱۸۸۶ میلادی) حاج سلطانعلی شوشتری به برادرش آقا اسدالله چنین می‌نویسد: هخط نور چشمی،

آقا محمد جعفر را دیدم ماشاء الله خطش ترقی کرده، خورسندم نمود؛ انشاء الله سعی کرده بهتر و صاف تر بنویسد، امساله اول موسم نوشته بود که {به بمبئی} می‌آیم، هنوز زود است، البته مشغول درس و مشق باشد قدری معقول تر شود، به وقت خودش من او را می‌طلبم، هر وقت نوشتم بیاید؛ حالاها نیاید.

اینکه در چه سالی نزد عمویش به بمبئی رفته بر ما روشن نیست اما اولین سند از حضورش مربوط به ماه شوال ۱۳۱۷ هـ. ق/ (۱۲۷۹ هـ. ش/ ۱۹۰۱-۱۹۰۰ میلادی) می‌باشد که امضای وی را به عنوان شاهد عقد آقا محمد حسن فرزند حاج سلطانعلی شوشتری در پای یک عقد نامه می‌بینیم.



در سند شماره ۲۲۰۷ کتابخانه خاندان شرف الدین، صفحه ۵ و ۶ نامه‌ای از محمد جعفر ملک التجار باقی مانده که به جهت آقا محمد حسن (برادرش) نوشته است؛ چون صفحه اول این نامه در دست نیست از تاریخ دقیق آن اطلاع نداریم اما با توجه به مضمون آن ممکن است به سالهای ۱۳۳۳-۱۳۳۱ هـ. ق/ (۱۳۱۳-۱۳۱۱ هـ. ش/ ۱۹۳۵-۱۹۳۳ میلادی) مربوط باشد.



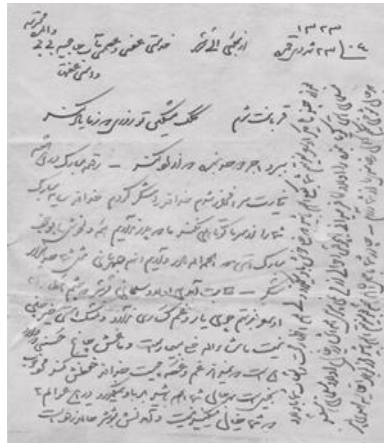
و اگر گفته است کار نکند و هوا خوری نماید، مشغله ما شاءاله خیلی زیاد است؛ چند روز است می‌خواهم حمام بروم فرصت نمی‌کنم، از این طرف هم مشغول کار این کمپانی شده‌ایم که بسیار کار خوبی است و کار خیری است باعث آسایش مردم است و مداخل برای همه هم دارد؛ از آنطرف والدۀ هم می‌نویسد بیا شویتر، با این حال چطور ممکن است؟ شما اوشان را حالی بکنید که از بنده راضی باشد و مهلت بدهد کارها را انجام داده و منظم بکنیم، انشاءاله در جهاز خودمان می‌آیم، فعلاً کارش این باشد که دعا برای ما بکند و بگذارد هواس ما جمع باشد چون خیلی میل دارم که همیشه از من راضی باشد، اگر بخواهد عکس خود را در آورده برایش بفرستم؛ انشاءاله جهازات که راهی شدند یا خودم می‌آیم یا والدۀ را می‌طلبم، آسوده

باشید فعلاً خیلی گرفتاری داریم که شرحش غیر ممکن است ۴

به تاریخ ۲۳ شهر ذی قعدة ۱۳۲۳ ه. ق. / (۱۳۰۲ ه. ش. / ۱۹۲۴-۱۹۲۳ میلادی) از بمبئی

به شویتر به مادرش «حج بی بی» نوشته است که برادرش (محمد حسن) که به بمبئی

آمده فعلاً نمی‌تواند بواسطه زیادی مشغله به شویتر باز گردد و ۴



از بمبئی الی شوشتر خدمت عفت و عصمت مناب حاجیه بی بی والده محترمه دامت عفت‌ها

قربانت شوم ، کلک مشکین تو روزی که ز ما یاد کند ببرد اجر دو صد بنده که آزاد کند و...

بتاریخ ۲۷ شوال ۱۳۳۳ هـ. ق / (۱۳۱۳ هـ. ش / ۱۹۳۵ میلادی) با استفاده از نامه‌های سر برگ دار کمپانی، نامه ای به شوشتر و آقا محمد حسن برادرش نوشته است، در این سند نشان می‌دهد که مادر و برادرش (محمد علی) در قید حیات نیستند و سال قبل از آن یعنی ۱۳۳۲ هـ. ق / (۱۳۱۲ هـ. ش / ۱۹۳۴ میلادی) این فقدان صورت گرفته است. سندی از «خانم»، دختر محمد جعفر ملک التجار، از سال ۱۳۵۵ هـ. ق / ۱۳۳۵ هـ. ش / (۱۹۵۷-۱۹۵۶ میلادی) در دست می‌باشد که بر سر برگ آن آرم محمد جعفر ملک التجار درج شده است، این سند نشان می‌دهد «خانم» با پسر عمه خود ازدواج کرده است، و مبلغی پول از آقا جواد عَلم ° از بستگان آن‌ها ° طلب دارند که در این سند نوشته شده که اگر پول ندارد از زمین «باغ شاه» یا «چم» در عوض پول‌ها از وی بگیریید در پایان دو سند مربوط به سال ۱۳۶۶ هـ. ق (۱۳۲۶ شمسی) وجود دارد که نشان می‌دهد محمد جعفر ملک التجار شوشتری در ماه ذیقعه این سال در سن حدود ۷۱ سالگی در شهر بمبئی، دار فانی را وداع گفته است و توسط عمو



زاده‌های ایشان (خانواده عَلم) پیام تسلیتی برای آقا محمّد حسن (برادر مرحوم فقید) ارسال شده است، جسد ملک التجار را در قبرستان مسلمانان بمبئی دفن نموده‌اند.

نتیجه گیری

شوشتر بعد از ورود اسلام همواره جایگاه خویش را به عنوان تولید کننده مهم فرش و صنایع دستی در خوزستان حفظ می‌نموده است در دوره قاجاریه شوشتر از نظر جمعیتی با مشکل رو به رو شده است از جمله این عوامل: ۱. بیماری‌های واگیرداری که بیش از نصف مردم شوشتر را از بین برده است. ۲. مهاجرت نخبگان اقتصادی و تجاری و فرهنگی شوشتر به هندوستان و عراق که در اثر فشار مالیاتی حاکمان قاجاریه و نبود امنیت برای تجارت و بازرگانی به وقوع می‌پیوست. ۳. امتیاز ک شیرانی که برادران لینیچ بدست آورده بودند و ورود بیش از اندازه اجناس خارجی، خصوصاً اجناس ساخت انگلستان به خوزستان و شوشتر ۴. امتیاز نفت که مستر داری بدست آورده بود فعالیت‌های تجاری شوشتر از جمله صنایع دستی و کشاورزی را با مشکل رو به رو نمود. زیرا بیشتر کارگران شرکت نفت در مسجد سلیمان از اقشار بافنده شوشتری و کشاورزان این شهر تشکیل می‌شد... تا آنجا که اسناد کتابخانه خاندان شرف الدین شوشتر، هدایتگر ما بوده‌اند درباره خانواده تاجر پیشه آقا (سلطانعلی و فرزندان و...) و شرکت تجاری خلیج فارس که توسط این خاندان در هندوستان شکل گرفته بود اشاره‌هایی داشته‌ایم علاوه بر مدارکی که در این مقاله ارائه شد اسناد دیگری از خانواده‌های بزرگوار عَلم، افضل شوشتری، تاجر حسین شوشتری و... در کتابخانه خاندان شرف الدین شوشتری موجود می‌باشد که این خاندان‌های تاجر شوشتری، ساکن هندوستان را بیشتر به اهل دانش و فرهنگ می‌شناساند.

اسناد کتابخانه خاندان شرف الدین شوشتری

- ابن بطوطه (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران: آگه.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری و مریم میر احمدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶). تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میرآفتاب، چ ۹، تهران: علمی و فرهنگی.
- اولیویه (۱۳۷۱). سفرنامه اولیویه، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا وهرام، تهران: انتشارات اطلاعات.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۷). مرآة البلدان، تصحیح عبدالحسین نوایی و هاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری، تهران: دنیای کتاب.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۷۷). فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشره نقره.
- پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی (۱۳۸۰). تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه، تهران: خیام
- دوبد، کلمنت (۱۳۷۱). سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: علمی و فرهنگی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه.
- راوندی، احمد بن علی (۱۳۶۴). راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، تهران: امیرکبیر.
- رشیدیان، نیره زمان (۱۳۷۱). نگاهی به تاریخ خوزستان، تهران: بوعلی.



رونه دالمانی، هانری (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه محمدعلی فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.

رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۸) شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، تهران: امیرکبیر.
حسن ابرهیم، حسن (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان.

کازاما، آی کی یو (۱۳۸۰). سفرنامه کازاما، ترجمه هاشم رجب زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.

گرانوسکی و دیگران (۱۳۵۹). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران: پویش.

مستوفی قزوینی، حمد الله، (۱۳۶۴). تاریخ گزیده، تهران: امیرکبیر.

نیبور، کارستن (۱۳۵۴). سفرنامه کارستن نیبور، ترجمه پرویز رجبی، تهران: توکا.

نجم الدوله، عبد الغفار بن علی محمد (۱۳۸۶). سفرنامه دوم نجم الدوله به خوزستان، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.